

بسمه تعالی

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و صلی الله تعالی علی سیدنا و نبینا أبی القاسم محمد و علی آله الطیبین الطاهرین المعصومین لا سیما بقیة الله فی الارضین ارواحنا فداه و عجل الله تعالی فرجه الشریف.

بحث در بررسی روایت سکونی برای اثبات تنجس بواطن غیرمحضه بود.

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ الثَّوْقَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ عَلِيًّا ع قَالَ: لَبَنُ الْجَارِيَةِ وَ بَوْلُهَا يُغَسَّلُ مِنْهُ الثَّوْبُ قَبْلَ أَنْ تَطْعَمَ لِأَنَّ لَبَنَهَا يَخْرُجُ مِنْ مَنَائِهِ أُمُّهَا وَ لَبَنُ الْغُلَامِ لَا يُغَسَّلُ مِنْهُ الثَّوْبُ وَ لَا بَوْلُهُ قَبْلَ أَنْ يَطْعَمَ لِأَنَّ لَبَنَ الْغُلَامِ يَخْرُجُ مِنَ الْعَصْدَيْنِ وَ الْمُنْكَيْنِ. [۱]

مناقشه ششم: معرض عنه بودن روایت

این روایت مشتمل است بر امری که کسی قائل به آن نیست. طبق این نقل حضرت فرموده اند لبن جاریه نجس است در حالی که کسی به آن فتوا نداده است. حضرت فرموده اند لبن و بول جاریه نجس است؛ زیرا لبن از مثانه خارج می شود و بول هم چون از لبن به وجود می آید نجس است. وقتی نجاست لبن به علت این که مخالف فتوای همه فقهاست باطل شد چیزی که معلول آن است یعنی نجاست بول هم باطل می شود. البته نجاست بول مفتی به است؛ اما به واسطه ادله دیگری که در مورد آن وجود دارد.

بزرگانی به این اشکال تنبیه داده اند از جمله:

در کشف اللثام [۲] ج ۵ ص ۴۳ فرموده اند: «ضعیف متضمن لما لا یقول به احد لا یقول به احد حتی هذا الشاذ.»

می فرمایند این روایت متضمن مطلبی است که هیچ کسی به آن فتوا نمی دهد حتی ابن جنید هم که فتاوی شاذ دارد چنین مطلبی نگفته است.

یا میرزای قمی در غنائم الایام: «و هی مع ضعفها مهجوره عند الأصحاب» [۳] شاید مراد ایشان از مهجوریت، نجاست لبن باشد.

یا مرحوم امام فرموده اند: «فمع اشتمالها علی ما یخالف الإجماع و الاعتبار» [۴] ممکن است یکی از مصادیق مخالفت با اجماع، نجاست لبن جاریه باشد.

پاسخ اول مناقشه ششم: حمل امر به غسل بر استحباب

گفته شده امر به غسل در مورد لبن جاریه حمل را حمل بر استحباب می کنیم. آن چه کسی به آن فتوا نداده نجاست لبن و وجوب غسل آن است. اما استحباب اشکالی ندارد.

اشکال: قابل استدلال نبودن روایت طبق این معنا

در این صورت استدلال به این روایت برای مستدل کارایی ندارد. زیرا تنجسی ثابت نمی شود و نمی تواند دلیل بر تنجس باطن محضه باشد و در نتیجه تنجس باطن غیر محضه

باشد. بلکه ملاقات در مثانه تنها باعث یک امر استحبابی می شود.

پس باید به نحو قضیه منفصله مانعه الخلو گفته که یا این روایت قابل قبول نیست و یا این که حمل بر استحباب می شود که در این صورت قابل استدلال برای مدعا نیست.

علاوه بر این که باید خلاف ظاهر مرتکب شویم و سیاق را به هم بزنیم و نسبت به بول حمل بر نجاست کنیم و نسبت به لبن حمل بر نجاست نکنیم.

اگر کسی بگوید بر هم زدن سیاق اشکالی ندارد بعد از این قرینه مهمی برخلاف آن وجود دارد اما باز اشکال قبلی وجود دارد و آن این که روایت قابل استدلال نخواهد بود.

پاسخ دوم: نجاست مجموع بول و لبن

مرحوم صاحب وسائل ذیل حدیث شریف علاوه بر حمل بر استحباب راه دیگری برای تخلص از اشکال فرموده اند:

وَمَا تَصَمَّنَتْهُ مِنْ غَسَلِ الثُّوبِ مِنْ لَتَنِ الْجَارِيَةِ مَحْمُولٌ عَلَى الْإِسْتِحْبَابِ أَوْ عَلَى اجْتِمَاعِهِ مَعَ الْبَوْلِ لِلْعَطْفِ بِالْوَاوِ وَ عَوْدِ ضَمِيرٍ مِنْهُ إِلَى مَجْمُوعِ الْأَمْرَيْنِ بِاعْتِبَارِ جَعْلِهِمَا شَيْئًا وَاجِدًا [5].

فرموده معنای روایت این است که چیزی که با ترکیب بول و لبن ملاقات کند متنجس می شود نه این که شستن ملاقی هر یک از اینها واجب باشد. اگر چه این معنا خلاف ظاهر است اما برای تصحیح روایت باید این گونه حمل کنیم. شاهد این مطلب این است که بول به واسطه «واو» به لبن عطف شده و ضمیر «منه» که به این بول و لبن برمی گردد مفرد استعمال شده است. این نشان می دهد که مرجع ضمیر مجموع این دوست.

اشکال: عدم دلالت روایت بر مدعا طبق این معنا

در این صورت باز استدلال تام نیست؛ زیرا باز در این صورت نجاست لبن ثابت نمی شود و نمی توان تنجس باطن را نتیجه گرفت. چون نجاست مجموع مستند به بول است.

علاوه بر این که این توجیه هم بسیار بعید است.

مناقشه هفتم: غریب بودن معنای روایت از جهت دلالت بر طهارت بول پسر

شهید صدر قدس سره در کتاب بحوث فی شرح العروه فرموده اند: و اما المضمون ففی نفسه غریب و بعید و ذلک باعتبار أن بول الغلام لو كان طاهرا فی نفسه لا يحتاج الى التطهير منه و لا التجنب عنه لاشتهار هذا الحكم و ذاع بین المتشرعه و کثرت الروایات الداله علیه باعتبار شده الحاجه و الابتلاء فی حیاة الناس به مع أن الأمر على العکس تماما [6].

می فرمایند: این روایت مضمون خیلی غریب و بعیدی دارد و آن این که فرموده بول غلام و صبی پاک است. اگر بول صبی پاک بود و نیازی به تطهیر نداشت، با توجه به این که این مسئله در زندگی همه بسیار مورد ابتلاست، حکم به طهارت مشهور می شد و قهرا روایات فراوانی در این رابطه صادر میشد. در حالی که عکس این مطلب مشهور است و همه متشرعه بول غلام را نجس و واجب الاجتناب می دانند.

پاسخ: عدم دلالت روایت بر طهارت بول پسر

کسی ممکن است پاسخ دهد این روایت دلالت بر طهارت ندارد بلکه بین کیفیت تطهیر فرق می گذارد. می فرماید راه تطهیر بول جاریه «غسل» و راه تطهیر بول پسر «صب» است. در واقع دو کیفیت تطهیر وجود دارد. زیرا در شرع کیفیت نجاست بر اساس شدت نجاست تعریف می شود. شیر جاریه چون از مثانه مادر تولید می شود، انجس از بول غلام است. در بول جاریه دو منشأ برای نجاست وجود دارد. اولاً بول است و به طور کلی باید از بول اجتناب شود. ثانیاً این بول از شیری که از مثانه مادر ساخته شده به وجود آمده. اما در بول غلام تنها یک منشأ نجاست وجود دارد.

بنابراین اشکال شهید صدر مبنی بر این است که روایت دلالت کند بر این که بول یکی نجس است و بول دیگری نجس نیست اما اگر آن طور که بزرگانی از فقها هم فرموده اند بگویم این روایت دلالت بر این مطلب ندارد بلکه تفصیل در کیفیت شستن است اشکال برطرف می شود و استدلال تمام است.

سوال: در این روایت امر به «صب» نیامده است بلکه تنها فرموده اند «لایغسل»

پاسخ: اگر چه این گونه است اما در روایات دیگر فرموده اند «یصب علیه الماء»

مناقشه هشتم

محقق خوبی فرموده اند اگر این روایت صحیح باشد، همین علت در مورد وذی و ودی و مدی هم وجود دارد پس به چه علت شارع اینها را پاک می داند؟

شارع علت نجاست را ملاقات با مثانه ذکر کرده. یعنی چون با بول یا محل بول برخورد می کند متنجس می شود. این علت در مورد وذی و مدی هم وجود دارد. زیرا از مجرای خارج می شود که محل بول است. وقتی علت واحد است نمی شود حکم مختلف شود.

مقایسه این امور با لبن قیاس نیست بلکه مانند منصوص العله است.

پاسخ: احتمال عدم قابلیت تنجس مدی و وذی

در تنجس اشیاء علاوه بر شرایط سرایت، قابلیت متنجس هم شرط است. بعضی چیزها متنجس نمی شوند چون قابلیت تنجس ندارند. همان طور که بعضی از جمله خود محقق خوبی معتقدند لثه اصلاً قابلیت تنجس ندارد و اگر چه خون روی آن باشد، باز خود لثه پاک است. یا مشهور فقها و بلکه همه آنها فتوا داده اند که اگر حشراتی مانند مگس و پروانه روی شیء نجسی بنشینند، بعد از بلند شدن اگر حامل نجاست نباشند پاک هستند. زیرا اصلاً قابلیت تنجس ندارد و منفعل نمی شوند.

گاهی ائمه ضابطه ای بیان می کنند و تطبیقش را به دست مکلف می دهند در این صورت مکلف می تواند هر جایی آن ضابطه را تطبیق کند مانند روایتی که می فرمایند:

وَ بِإِسْتِثْنَائِهِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلُ ع إِذَا شَكَّكَتَ قَائِنٍ عَلَى الْيَقِينِ قَالَ قُلْتُ: هَذَا أَصْلُ قَالَ تَعْمٌ [۱].

راوی سوال می کند که آیا این یک قاعده است و امام علیه السلام پاسخ مثبت می دهند.

اما گاه ضابطه ای را بیان می کنند اما تطبیق آن را به دست مکلف نمی دهند زیرا جهاتی دارد که مکلف نمی تواند آن را تشخیص دهد. در اینجا نیز خود امام علیه السلام تطبیق فرموده اند. چون می دانند چه چیزهایی قابلیت تنجس دارند و چه چیزهایی این قابلیت را ندارند، این ضابطه را در مورد لبن تطبیق فرموده اند اما در مورد ودی و مزی تطبیق نفرموده اند.

سوال: اگر ضابطه توسط مکلف قابل تطبیق نیست به چه علت این تعلیل را بیان فرموده اند؟

پاسخ: این که علت را بیان می کنند به این جهت است که بفرمایند ما برای این احکام از نظر شرعی ضابطه داریم.

و صلی الله علی محمد و آل محمد.

[۱] وسائل الشیعه، ج ۳، ص: ۳۹۸

[۲] استاد دام ظلّه نام کتاب را کشف اللثام معرفی فرمودند اما این عبارت و همچنین آدرس، مربوط به کتاب مصابیح الظلام است.

[۳] غنائم الأيام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۱، ص: ۴۳۱

[۴] کتاب الطهاره (للإمام الخمينی، ط - الحدیثه)، ج ۳، ص: ۴۵

[۵] وسائل الشیعه، ج ۳، ص: ۳۹۹

[۶] بحوث فی شرح العروه الوثقی، ج ۳، ص: ۱۵

[۷] وسائل الشیعه، ج ۸، ص: ۲۱۲